خبرها

برگزاری همایش «توسعه اجتماعی و ضرورت آن در ایران»

شرق: همایش «توسعه اجتماعی و ضرورت آن در ایران» فردا ساعت ۱۲ ظهر به همت انجمن علمی برنامه ریزی رفاه در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی برگزار می شود. در این همایش ناصر فکوهی، عضو هیات علمی دانشگاه تهران درخصوص «هویت های جماعتی: امتیاز یا مانع توسعه اجتماعی» و نعمت الله فاضلی عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبایی، با موضوع «رشته های علوم انسانی: تاثیر در توسعه اجتماعی ایران» سخنرانی خواهند کرد. این همایش روز یکشنبه ۳۱ اردیبهشت ماه از ساعت ۱۲ ظهر در محل دانشکده علوم اجتماعی واقع در سه راه ضرابخانه، خیابان کتابی برگزار می شود.

دولت آماده تحویل اتوبوس های هدیه رئیس جمهور به شهرداری تهران

ایلنا: وزیر کشور گفت: دولت، برای تحویل اتوبوس های هدیه رئیس جمهور به شهرداری تهران آمادگی دارد. حجت الاسلام مصطفی پورمحمدی وزیر کشور افزود: برای دریافت اتوبوس های هدیه رئیس جمهور در کنار سهم دولت، باید سهمی نیز از سوی شهرداری پرداخت شود. گفتنی است، در اوایل مهرماه سال گذشته و هم زمان با روزهای اول آغاز به کار دولت نهم سعیدلو، معاون اجرایی رئیس جمهور، از سوی دولت ۵۰۰ دستگاه اتوبوس به شهرداری تهران هدیه کرد. وی افزود: ارائه اتوبوس ها به شهرداری براساس ضوابط خاصی انجام می شود و در این هدیه ها، سهم مختصری برای شهرداری تعیین شده است. وزیر کشور در مورد دلیل تاخیر در تحویل اتوبوس ها خاطرنشان کرد: برخی کارخانه های تولید اتوبوس، دچار مشکل بودند و خودروهای آنها آماده تحویل نبود. وی با اشاره به اینکه تعداد زیادی اتوبوس از سوی دولت درخواست شد، یادآور شد: علت تاخیر در واگذاری اتوبوس ها وجود مشکل در بخش های مختلف از جمله کارخانه های تولید اتوبوس بود. به گفته پورمحمدی تاکنون تعداد زیادی اتوبوس از سوی دولت به شهرداری ها واگذار شده و امسال نیز حجم زیادی اتوبوس به شهرداری ها داده می شود. شایان ذکر است، با وجود گذشت ۸ ماه از ابلاغ دستور رئیس جمهور برای اهدای ۵۰۰ دستگاه اتوبوس به شهرداری تهران هنوز این اتوبوس ها تحویل داده نشده است؛ ضمن اینکه شهرداری تهران موظف است ۴۰ درصد از هزینه خرید این هدایا! را پرداخت کند.

اعلام جزئیات کنکور ۱۳۸۵

معاون اجرایی سازمان سنجش آموزش کشور جزئیات کنکور سراسری ۱۳۸۵ دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی کشور را اعلام کرد. به گزارش ایسنا حسین توکلی از برگزاری بدون تغییر کنکور، طراحی سئوالات کنکور به صورت تستی- چهارگزینه ای، حضور ۶۱/۴۳ درصدی دختران در کنکور، کاهش ۳/۲ درصدی تعداد داوطلبان نسبت به سال گذشته، اعلام نتایج نهایی پذیرفته شدگان کنکور در دهه سوم شهریورماه و تضمین امنیت آزمون سراسری سال ۸۵ خبر داد. وی گفت: کنکور در روزهای جمعه، شنبه و یکشنبه یعنی نهم، دهم و یازدهم تیرماه در بیش از ۳۷۰ شهرستان داخل کشور و ۱۴ کشور خارجی برگزار می شود. براین اساس آزمون های گروه آزمایشی علوم ریاضی و فنی صبح روز جمعه، گروه آزمایشی هنر بعد از ظهر جمعه، گروه آزمایشی علوم تجربی صبح شنبه، گروه آزمایشی زبان های خارجی بعد از ظهر شنبه و گروه آزمایشی علوم انسانی نیز صبح یکشنبه برگزار می شود.

وضعیت کودکان در عراق نامناسب است

شرق: آخرین گزارش ها از وضعیت کودکان عراقی زنگ خطری را برای کارشناسان فعال در این بخش به صدا درآورده است. براساس نتایج تحقیقات صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل متحد «UNICEF» و برنامه جهانی غذا «WFP» بیش از ۸۵۰ هزار کودک زیر پنج سال عراقی از سوءتغذیه رنج می برند. این در حالی است که ۴ میلیون کودک نیز در کشور با مشکلات تغذیه روبه رو هستند. بر همین اساس آمار کودکان گرسنه در عراق پس از حمله عراق درحال افزایش است. حدود ۵۰۰ هزار کودک عراقی با کاهش وزن روبه رو هستند و این مسئله نگرانی های بسیاری را در پی داشته است.

تنقلات ممنوع

شرق: مصرف تنقلات (شکلات، چیپس و . . .) به واسطه کیفیت پایین غذایی آن، برای استفاده عصرانه در مدارس انگلیس ممنوع شد. کارشناسان تغذیه با استقبال از این برنامه اعلام کردند: مصرف این نوع مواد تنها سبب بالا رفتن قند و چربی در نوجوانان می شود و جایگزین غذاهای سالم می تواند با بروز چنین مشکلی مقابله کند. بر همین اساس قرار است از ابتدای سال تحصیلی ۲۰۰۸ نیز غذای طبیعی با استاندارد بالا جایگزین این طرح شود که از امسال در مدارس انگلیس مورد استفاده قرار گرفت.

یادواره سونامی

شرق: طراح اسپانیایی برای ساخت بنای یادبود حادثه سونامی در تایلند برگزیده شد. این بنای یادبود برج بلندی شامل ۵ بخش است که در آن موزه، مرکز خرید، مرکز آموزش و رستوران نیز در نظر گرفته شده است. براساس برآورد انجام شده این برج حدود ۱۳ میلیون دلار هزینه دربر دارد. این بنای یادبود یادآور خاطرات قربانیان حادثه برای خانواده هایشان است.

جمع آوری مکانیزه زباله از سوءاستفاده ها جلوگیری می کند

مافیا علیه شهرداری

مهدی افروزمنش

گروه اجتماعی: ساعت ۴ صبح، نهمین یکشنبه سال ۱۳۸۲ آخرین باری بود که «محمدعلی» در مقام راننده خودروی حمل زباله وارد یکی از ایستگاه های واسطه جمع آوری زباله شهر تهران شد. از فردای آن روز او فقط اجازه داشت به عنوان یک کارگر جمع آوری کننده زباله به حریم وارد شود که البته هرگز این کار را نکرد. «محمدعلی» پس از حدود ۷ ماه مجدداً به عنوان راننده در یکی دیگر از شرکت های پیمانکاری جمع آوری زباله در شرق تهران مشغول به کار شد و تازه در آنجا بود که علت تنزل رتبه کاری خود را دریافت. «نباید زیاد در چندوچون جمع آوری زباله دخالت می کردی.» این جمله را یکی از همکاران باسابقه اش در منطقه شرق به او گفته بود تا او بداند که دلیل اخراج محترمانه اش کاهش تعداد خودروهای حمل زباله آن گونه که «رئیس» به او گفته بود، نیست بلکه علت، کنجکاوی های بیش از حدی بوده است که از خود نشان می داد. این راننده ۴۶ ساله ساکن جنوب تهران حتی یک روز یافته هایش را با یکی از مدیران منطقه در میان گذاشته و به گفته خودش از مسائلی پرده برداشته بود که مدیر را متعجب کرده بود. در آن روز خاص به مدیر گفته بود بعضی از خودروها زباله هایشان را از یکی از کارخانه های حاشیه شهر تهران می آورند و حتی یک بار خودش ناچار شده زباله ها را زیر آب بگیرد و بعد از سنگین تر شدن، آن را به محل مخصوص وزن زباله ها (ایستگاه های واسطه) ببرد. «محمدعلی» امروز آن مدیر را هم یکی از همدستان «رئیس» می داند چون فقط چند روز بعد از آن گفته ها او را اخراج کردند تا با وجود سرپرستی یک خانواده ۹ نفره ۷ ماه بیکار باشد. در محل کار جدید «محمدعلی» دیگر آن اتفاقات را مشاهده نکرد و به همین دلیل «رئیس» جدید را آدم سالمی می داند که پول حلال به خانه می برد و جزء مافیای زباله نیست. شبکه هزارتوی زباله بخش کوچک اما قدرتمندی از حدود ۹۰ پیمانکار فعال در شهر تهران هستند که به عنوان طرف های شهرداری تهران وظیفه جمع آوری و انتقال زباله های تهران را در سیستم قدیمی جمع آوری برعهده دارند. آنها در ۱۲۰ ناحیه شهر تهران پراکنده اند و از آنجا که طبق قانون در ازای وزن زباله ها پول می گیرند هر کاری می کنند که این زباله ها روی باسکول سنگین تر شود. برخی ماشین های مملو از زباله را زیر لوله های آب می گیرند و اصطلاحاً آن را آب می دهند تا سنگین تر شود. تعدادی هم خارج از مفاد قرارداد که تنها وجود دو کیسه نخاله ساختمانی در هر ماشین حمل زباله را مجاز می داند زباله ها را با نخاله ها مخلوط می کنند و همان طور به روی باسکول می روند. البته تمامی این کارها بدون هماهنگی با برخی ماموران شهرداری غیرممکن است که از همین رو با آنها نیز مذاکره می شود. شیوه های دیگری نیز وجود دارد. پیمانکار متخلف با کارخانه ها و یا شهرک های خارج از حریم تهران وارد مذاکره می شود و در ازای مبلغ ارزان تری زباله های آنها را جمع آوری می کند، زباله ها را به تهران حمل می کند، با زباله های محل ماموریت خود مخلوط می کند و به شهرداری می فروشد. آنها تخلفات دیگری هم انجام می دهند. حقوق ماهیانه هر کارگر را مطابق با قانون کار محاسبه می کنند، از شهرداری پول می گیرند و البته هرگز به کارگر نمی دهند. تنها در یک مورد، پیمانکاری که حقوق ماهیانه هر کارگر را برای شهرداری ۱۴۰ هزار تومان محاسبه کرده بود از کارگرانی برخوردار بود که ماهیانه ۶۰ تا ۸۰ هزار تومان حقوق دریافت می کردند. هیچ کدام بیمه نبودند و عمدتاً مهاجران افغانی و یا کودکان زیر ۱۶ سال بودند. در این شبکه حریم ها نیز کاملاً محفوظ است. مطابق یک قانون نانوشته شرکت های همکار از مشارکت در مناقصات سالیانه انتخاب پیمانکار جدید ناحیه خودداری می کنند، در بعضی مواقع حتی خود پیمانکار نیز شرکت نمی کند تا در نهایت برای شهرداری فقط یک راه باقی بماند. تمدید قرارداد با همان پیمانکار قبلی با مبلغی اضافی که به آن «پولوس» گفته می شود. افزایش «پولوس» از ۱۵ تا ۴۰۰ درصد مشاهده شده است که بسته به نوع ارتباط پیمانکار با «مدیر» متغیر بود. حتی اگر افسانه و یا اغراق در قدرت این شبکه نباشد گفته می شود که در بعضی مواقع حتی در تغییرات معاون و خدمات شهری مناطق و یا مدیران پایین تر نیز اعمال نفوذ می کردند. به هر حال سرریز حدود ۱۰ میلیون تومان که برآورد می شود به صورت شبانه (واحد زمانی جمع آوری زباله) و از محل تخلفات عاید متخلفان می شد قدرت و مجوز انجام هر کاری را می داد. آیا مدیران شهرداری از این موضوع بی اطلاع بودند؟ این پرسشی است که یکی از مقامات عالی رتبه معاونت خدمات شهری شهرداری تهران در پاسخ به آن ابتدا سکوت می کند و سپس می گوید: «نه.» او که سخن گفتنش را به ناشناس ماندنش مشروط می کند می افزاید: «یک عده ای که می دانستند و به دلیل شراکت در منافع سکوت می کردند، برخی قدرتی نداشتند و تعدادی دیگر می دانستیم اما چاره ای نداشتیم.» به گفته وی به دلیل حساسیت موضوع جمع آوری زباله و تعطیل ناپذیر بودن آن و همچنین نداشتن یک پیمانکار جایگزین و وابستگی هزینه ها به تناژ زباله ها برخورد عملاً غیرممکن بود. البته او نیز چون «محمدعلی» معتقد است که در همین سیستم نیز پیمانکاران زیادی در سلامت کامل با شهرداری کار می کردند و پول حلال می گرفتند.

طرح: فیروزه مظفری شرق

■ **یافتن راهکار**

چند ماه قبل که معاون خدمات شهری یکی از مناطق بیست و دو گانه شهرداری تهران به دلیل تبانی با پیمانکار از سمت خود عزل شد همه دست اندرکاران سیاستگزاری، جمع آوری، حمل و امحای زباله های پایتخت دانستند که راهکار جدید پیدا شده است. البته اولین گام پیش از این برداشته شده بود و آن هنگامی بود که مدیران جدید خدمات شهری اعلام کردند سال ۱۳۸۵ هیچ افزایش قیمتی وجود نخواهد داشت و پیمانکاران باید با همان مبالغ سال ۱۳۸۴ به کار خود ادامه دهند. معاونت خدمات شهری در بودجه بندی خود نیز هزینه جمع آوری زباله در سال ۱۳۸۵ را چون سال قبل ۵۰ میلیارد تومان اعلام کرد. اما با این وجود برکناری آن مدیر یک اعلان جنگ واقعی بود. رئیس محمدعلی در این باره می گوید: «پیچیدن خبر بین بچه ها (منظور همکارانش در سایر نواحی است) درست مانند انفجار یک بمب بود. بعضی ها را نگران و خیلی ها را خوشحال کرد.» سر و صدای ناشی از برکناری این مدیر شهرداری هنوز فروکش نکرده بود که شهرداری در همان منطقه جمع آوری مکانیزه زباله ها را به عنوان برگ برنده رو کرد. به گفته مدیرعامل سازمان خدمات موتوری شهرداری تهران جمع آوری مکانیزه مانع هرگونه سوءاستفاده احتمالی است چون در این نظام جدید «هزینه نه براساس تناژ بلکه براساس کیفیت کار پیمانکار محاسبه و پرداخت می شود.» سلیمی درباره مقدمات این کار نیز می گوید: «از برخی پیمانکاران که کارنامه خوبی داشتند و همچنین دارای توانمندی مالی و مدیریتی بودند دعوت کردیم و با انجام مذاکرات مالی و مدیریتی و همچنین تجهیز آنها کار را شروع کردیم.» سطل های بزرگ طوسی رنگ به همراه کامیون های روبسته مدرن جایگزین چند کارگر و یک وانت روباز شدند و در تبلیغات از مردم خواسته شد که زباله های خود را به جای رها کردن در کنار جوی و خیابان در داخل سطل بگذارند. استقبال ها نیز مناسب ارزیابی شد و بیش از ۸۰ درصد مردم منطقه از اعمال این طرح جدید ابراز رضایت کردند. البته آنها نسبت به مسائلی چون تخلیه نامنظم سطل ها، جمع شدن مگس و پشه حول مخازن و رها شدن مخازن در سطح خیابان انتقاداتی هم داشتند که به گفته مدیر کل خدمات شهری در حال بررسی و رفع هستند.

■ **تفاوت با نظام قدیم**

کاهش وزن زباله ها در ایستگاه های واسطه نسبت به ایستگاه نهایی کهریزک اولین تفاوتی بود که در پی اجرای طرح مکانیزه نصیب مدیران شهرداری شد. این مسئله برای نخستین بار نشان داد که شبکه پیچ در پیچ زباله تا چه حد در تولید وزن زباله های تهران نقش داشته است. برای نخستین بار پس از واگذاری جمع آوری زباله به بخش خصوصی تناژ ایستگاه های واسطه در رقمی پایین تر از ایستگاه مادر یعنی کهریزک قرار گرفت. مقایسه دوماه ابتدایی سال ۱۳۸۵ (سیستم مکانیزه) و سال ۱۳۸۴ (سیستم سنتی) بیانگر کاهش ۱۵ درصد تناژ زباله ها در سال ۱۳۸۵ بود. حال آنکه مطابق یک روند جمعیتی زباله های تهران سالیانه ۱۰ تا ۱۵ درصد رشد دارند. بنابراین سیستم جمع آوری مکانیزه مشخص کرد که حدود ۳۰ درصد از زباله های تهران به صورت غیرواقعی تولید و به شهرداری فروخته می شدند، هر تن ۳ تا ۵ هزار تومان.

■ **گسترش جنگ**

از بین رفتن منافع مقاومت را به دنبال دارد. منافع هر چه بیشتر مقاومت ها نیز گسترده تر. آتش گرفتن مخازن پلاستیکی، شکستگی و یا سرقت آنها فقط در عرض چند روز نشانه های مقاومت آن شبکه بود. «در یک روز بیش از ۱۰۰ نفر در تماس با ۱۳۷ اعتراض خود به وضع جدید جمع آوری زباله در منطقه ۲ شهرداری را اعلام کردند که البته پس از بررسی مشخص شد موارد اعلامی صحت ندارد.» این جمله سلیمی مدیرکل خدمات موتوری در توصیف شرایط جدید است. او می گوید: سرقت و آتش زدن آنها ما را ناچار به شکایت کرد که در نهایت ماموران انتظامی در این مورد ۱۵ نفر را بازداشت کردند و با تشکیل پرونده تحویل مقام قضایی دادند. «آنها ماموریت داشتند که این کارها را بکنند.» سیگار «محمدعلی» به آخرش رسیده، غروب وقتی است که کارش شروع می شود. اصرار دارد نامی از او برده نشود تا از نان خوردن نیفتد. در کنار یکی از مخازن پلاستیکی طرح مکانیزه می ایستد و می گوید: «خوب ما را به حرف کشیدی.» او امیدوار است که روزی راننده یکی از کامیون های بزرگ حمل زباله شود، فکر می کند این طور کار کردن ساده تر است.

گزارش کوتاه

گنجینه موزه نیاوران فردا به نمایش گذاشته می شود

مریم خورسند

گروه اجتماعی: سومین موزه هنرهای تجسمی ایران با رعایت استانداردهای تعریف شده جدید، فردا عصر برای سومین بار در کاخ موزه نیاوران بازگشایی می شود. پیکاسو و شاگال در کنار مودیلیانی، در همسایگی حسین زنده رودی و پرویز تناولی و زیر سقف چوبی از نقاشی رنگ و روغن متعلق به دوره زندیه و قاجاریه در اتاق های کوچک، دیوار به دیوار کاخ صاحبقرانیه گرد هم آمدند تا در هفته میراث فرهنگی و روز جهانی موزه دوباره در معرض تماشا قرار گیرند. مدیر مجموعه فرهنگی تاریخی نیاوران با اشاره به فضای نامناسب موزه پیش از تعمیرات و بازسازی و احتمال آسیب دیدن آثار به علت رطوبت و سیستم های حرارتی موجود به مشکلات محیطی و فقدان امکانات و تجهیزات فنی و شرایط نامناسب نگهداری آثار پرداخت و گفت: پروژه بازسازی موزه جهان نما در پاییز ۸۳ آغاز شد، پس از انجام عملیات مرمت شامل نوسازی سیستم الکتریکال، طراحی و نصب نورپردازی ویژه موزه ای از نوع فایبراپتیک و ساخت ویترین های جدید، مطالعه و پژوهش کامل درباره ارزش هنری و پیشینه آثار صورت گرفت. مسعود صالحی تجهیز و مرمت موزه را به دلیل نبود تجربه احداث موزه در کشور و همچنین نبود استانداردهای تعریف، انجام مراحل کار مبتنی بر آزمون و خطا و در نهایت رسیدن به نتیجه موردنظر دانست و افزود: این سالن به دلیل اینکه بخشی از کاخ صاحبقرانیه بوده و در مجموعه کاخ موزه نیاوران قرار دارد، همراه با محدودیت تغییرات و تعمیرات بوده است. به همین دلیل ناچار بودیم با در نظر داشتن این نکته که این سالن بخشی از کاخ موزه صاحبقرانیه است تجهیزات جدید را برای نمایش مطلوب تر آثار انتخاب کنیم و مورد استفاده قرار دهیم. وی به محدود بودن بودجه بازسازی و بازگشایی این موزه اشاره کرد و گفت: به دلیل همین محدودیت و دریافت بودجه به صورت نامشخص شرایط جدیدی به ما تحمیل شد که در سایه آن موفق شدیم به دلیل همین محدودیت ها در جست وجوی بهترین ها با حداقل قیمت باشیم. موزه جهان نما با عبور از یک در قجری شروع می شود، پس از عبور از در، تابلوها در نوری سرد در تاریکی محوطه همه نگاه ها را به خود جلب می کند. اینجا دیگر هیچ نسبتی با معماری قاجاریه ندارد. دنیایی تشکیل شده از سال های پشت سر گذاشته شده است، از ۱۵۰۰ سال پیش تا دیروز و هنر امروز، هنر چیدمان و نورپردازی آثار است که به گفته مدیر این مجموعه برای نورپردازی هر اثر معادل هفت ساعت وقت گذاشته شده است و شرح آثار که با همکاری آیدین آغداشلو تهیه شده است. به گفته صالحی آثار انتخاب شده برای نمایش در موزه فقط بخشی از گنجینه دوهزارتایی مجموعه فرهنگی- تاریخی نیاوران است که با دو معیار تنوع و ارزش آثار هنری و همچنین گستره زمانی خلق آثار مختلف انتخاب شده و به نمایش درآمدند. اینجا همه آثار، آثاری که کمتر تصور می رفت نمونه های اصل آن را بتوان در ایران یافت در چند سانتی متری چشمان تماشاگران قرار گرفته است. بسیاری از آثار به دلیل قدمت فاقد قیمت است. صالحی در مورد امنیت موزه و پیش بینی های لازم برای جلوگیری از سرقت و صدمه آثار توسط تماشاگران، به دوربین های نصب شده در سالن ها اشاره کرد و گفت: آثار کوچک تر که به سادگی قابل حمل ونقل هستند، درون ویترین های بسته شده قرار گرفته اند. همین نوع چیدمان خطر سرقت را کاهش داده است. در کنار این تدابیر در خارج از سالن موزه و در محوطه کاخ موزه نیاوران همواره ماموران نیروی انتظامی حضور دارند، پس خطر سرقت به حداقل می رسد. مدیر کاخ موزه نیاوران احتمال بروز خطر سرقت را برای این مجموعه محال نمی داند، اما معتقد است نمی توان با پیش فرض سرقت و دزدی مردم را از تماشای این آثار محروم کرد. صالحی با تاکید بر این مطلب که بسیاری از این آثار از ارزش هنری بالایی برخوردار هستند، گفت: به همین دلیل و برای تماشای بهتر آثار معادل ۲۸ میلیون تومان برای نورپردازی هزینه شده است. این نور برای تماشای آثار نوری حیاتی است و تاکنون در موزه های ایران استفاده نشده است.

■ **موزه جهان نما**

«موزه جهان نما» از یک آتش سوزی در دهه چهل متولد شد. پس از آتش سوزی موتورخانه کاخ صاحبقرانیه در سال های ۵۳ تا ۵۵ و در آخرین تغییرات کاخ صاحبقرانیه توسط خاندان پهلوی محل موتورخانه قبلی به فضایی برای گردآوری و نگهداری برخی از تابلوها و اشیای باارزشی که در طول سالیان متمادی توسط این خاندان جمع آوری شده بود، انتخاب شد تا تحت عنوان موزه جهان نما تبدیل به موزه اختصاصی نیاوران شود. این نام که در روزگار ناصرالدین شاه به دلیل بزرگی قصر صاحبقرانیه و وسعت دید اتاق های این قصر بر آن اطلاق می شد، به موزه فرح نامگذاری و از آن پس به آن موزه اختصاصی گفته شد. اشیای این موزه یا خریداری شده و یا به عنوان هدیه به این مجموعه اهدا شده که دارای مشخصات و پرونده کاملی بودند. بقیه آثار که هویتی مستند نداشتند، با مطالعه دقیق و تحقیق همه جانبه کارشناسی شدند، آثاری که نام اهداکننده و یا مبلغ خرید در شناسنامه های آنان ثبت شده بود به عنوان سند معتبر پذیرفته شد و مابقی آثار توسط کارشناسان در پایگاه های اطلاعاتی کارشناسی شدند. سال ها بعد از انقلاب با نگرش جدید به اشیا و تابلوهایی که از آن روزگار به جا مانده بود پس از تعمیرات جزیی فضایی مناسب برای نمایش این آثار و اشیا پدید آمد و به این ترتیب موزه جهان نما برای دومین بار گشوده شد. موزه جهان نما به عنوان یک موزه تخصصی هنر و با وجود آثار متنوعی که شامل دوره وسیعی از مکاتب هنری ایران و جهان است تبدیل به یک تاریخ هنر در مقیاس کوچک شده که می تواند به عنوان یک مرکز آموزشی مهم ایفای نقش کند. این مجموعه شامل آثار ایرانی و خارجی است که در دو بخش باستانی- ایرانی و معاصر تقسیم بندی شده اند. آثاری از تمدن های تاریخی، سیلک، موشیکا، حاشیه نیل و خاور دور در کنار آثاری از گوگنی، والتا، رنه وار، شاگال، محصص، کلانتری، آغداشلو، اعتمادی و . . . در این موزه گردهم آمدند. چنین مجموعه عظیم و پراهمیتی برای بیننده تنها ۳۰۰ تومان هزینه در بر دارد.

از حق ایران حمایت می کنیم

ادامه از صفحه اول

■ در سفر آخری که جک استراو به عربستان داشت اعلام کرد که مذاکره با ایران سخت ترین کار دنیا است، آیا شما هم به عنوان سفیر انگلیس در ایران همین عقیده را دارید؟

فکر می کنم آقای استراو تعارف کرده اند. جک استراو عقیده داشت که ایران ترکیبی است از مسائل مشکل و مهم. او همچنین عقیده داشت ایران مذاکره کنندگان بسیار خوش فکر و حرفه ای دارد. او برای مقامات و وزرای ایرانی که با آنها ملاقات کرده بود، احترام خاص و ویژه ای قائل بود و فکر می کرد که آنها بسیار باهوش هستند و تلاش می کنند که به خوبی منافع کشورشان را حفظ و از آن دفاع کنند، درست به همان شیوه ای که استراو کوشید از منافع کشور خودش دفاع کند.

■ آقای آدامز در ایران همواره یک نوع ذهنیت منفی نسبت به سیاست های بریتانیا از گذشته تاکنون وجود داشته و به همین دلیل معمولاً در هر رویدادی اولین انگشت اشاره به سوی کشور شما دراز می شود. برای مثال اولین تحصن ها در اعتراض به سیاست های اروپا و یا حتی آمریکا مقابل سفارتخانه شما در ایران برگزار می شود. فکر می کنید دلیل این بدبینی چیست و با توجه به این بدبینی تاریخی که در ذهن مردم جای گرفته و رویدادهای اخیر در روابط تهران و لندن، سطح این روابط را در شرایط فعلی چگونه ارزیابی می کنید؟

دو نظر در این زمینه وجود دارد که اولین آن تاریخی است و به همین دلیل فکر می کنم مهمترین وظیفه سفیر بریتانیا در ایران مطالعه تاریخ روابط دو کشور است. تمام فرضیاتی که تحت عنوان فرضیات بدبینانه مطرح است، نتیجه تاریخ گذشته است و باید تلاش کنیم که این مسئله را تغییر دهیم که البته این موضوعی نیست که یک سفیر به تنهایی بتواند طی یکی دو سال آن را تغییر دهد. اگر همه ما در این سفارت فکر و کمک کنیم که تصویر درستی را از بریتانیای امروز ارائه دهیم، این امر کمک خواهد کرد که نگاه فعلی مردم ایران نسبت به این کشور تغییر کند. اگر اخیراً به بریتانیا سفر کرده باشید متوجه می شوید که این کشور تغییر کرده و به یک جامعه چندفرهنگی تبدیل شده است که در واقع با گذشته متفاوت است. اسلام جایگاه بسیار احترام آمیزی در بریتانیا دارد و خیلی صریح بگویم کاری که من و همکارانم در ایران می توانیم برای رفع این نگاه بدبینانه انجام دهیم این است که صریح و شفاف صحبت کنیم و فروتن باشیم زیرا دو تصویر نادرستی که از ما وجود دارد این است که ما انسان هایی فریبکار و متکبر هستیم و این برای من رنج آور است که چنین تصویری از ما در ایران وجود دارد. ما باید هر آنچه می توانیم انجام دهیم تا این تصویر را تغییر دهیم. برخلاف تمام پیش فرض های تاریخی و اختلافات سیاسی فعلی، هر انگلیسی ای که به ایران می آید از جمله خود من با لطف و محبت ایرانیان مواجه می شود. ایران و بریتانیا کشورهایی با تاریخ بسیار طولانی هستند و به نظر من بسیار اهمیت دارد که بتوانیم ارتباط پرثمری را با یکدیگر داشته باشیم و می دانم علاقه زیادی در کشورم وجود دارد که این اتفاق بیفتد. به عنوان مثال نمایشگاهی از گنجینه های موزه ملی ایران اخیراً در موزه بریتانیا برقرار بود که تصویر بسیار مثبتی از امپراتوری هخامنشی و تخت جمشید ارائه داد. این نمایشگاه پرطرفدارترین نمایشگاه در لندن طی سال های اخیر بود. مردم از تمام طبقات اجتماعی برای دیدن آن آمدند و مبالغ زیادی خرج کردند. به نظر من این نشانگر سطح علاقه مندی به ایران است و چیزی که در اینجا به نظر من جالب است سطح دانش عمیقی است که نسبت به بریتانیا وجود دارد که ما برای آن احترام زیادی قائل هستیم. برای مثال وقتی مسئولیت چک استراو به عنوان وزیر امور خارجه تغییر کرد تمام افرادی که با آنها در ارتباط هستم در مورد آن حرف می زدند و این نشان دهنده آگاهی عمیق مردم ایران در مورد مسائل مختلف است.

■ آقای سفیر شما در صحبت هایتان اشاره کردید که کشور شما تمایل دارد این بی اعتمادی ها و بدبینی ها برطرف شود و رابطه خوبی را با ایران برقرار کند. اما در مورد پرونده هسته ای ایران، این طور عمل نکردید و به همین دلیل مردم ایران بر این اعتقادند که انگلیس اجراکننده سیاست های آمریکا در ایران است و به این ترتیب به این بدبینی ها دامن زدید. این موضوع را چگونه تبیین می کنید؟

من این دیدگاه را می پذیرم ولی در واقع باید بگویم که اگرچه بریتانیا و آمریکا با یکدیگر در مورد ایران ائتلاف کرده اند ولی سیاست های آمریکا و انگلیس در بسیاری از موارد با یکدیگر متفاوت است. من در حال حاضر سفیر انگلیس در ایران هستم در حالی که هیچ گونه روابط دیپلماتیکی بین ایران و آمریکا وجود ندارد. در مورد مسئله هسته ای ایران همان طور که می دانید سیاست و روند مذاکره با ایران پیشنهاد اروپا بود و در آغاز این روند هم وقتی جک استراو و دیگر وزرای خارجه اروپا مذاکره در مورد مسئله هسته ای ایران را شروع کردند، آمریکا به دلایل خود چندان به این موضوع خوش بین نبود و دخالت نکرد. ما اکنون به عنوان اعضای دائم شورای امنیت در حال کار کردن با آمریکا هستیم و به همین شکل با روسیه و چین هم همکاری می کنیم. این در حالی است که سه کشور اروپایی کماکان سه مجری اصلی و فعال این روند مذاکره با ایران باقی مانده اند.

■ همانطور که اشاره کردید سیاست آمریکا و بریتانیا در آغاز روند مذاکرات هسته ای با ایران، دو سیاست متفاوت از هم بود، چرا حالا روند مذاکرات با ایران تغییر کرده و اروپایی ها از این روند کناره گیری کرده اند و بیشتر به سیاست آمریکا نزدیک شده اند. چه اتفاقی در این مدت روی داد که سیاست های لندن در قبال ایران تغییر کرد؟

من این موضوع را به صورت دیگری می بینم. فکر می کنم که آمریکا، روسیه و چین به سمت موضع بریتانیا و اروپا حرکت کرده و با آن همگرایی پیدا کرده اند. این روندی که ادامه پیدا کرده و در نشست لندن نیز ادامه خواهد یافت ادامه روند مذاکراتی است که بریتانیا به عنوان یکی از سه کشور اروپایی با ایران آغاز کرد. آنچه که در یک سال گذشته تغییر کرده آن است که آمریکا، روسیه و چین به عنوان بخشی از روند مذاکره با ایران قرار گرفته اند.

من امیدوارم این طور باشد. مرحله بعدی به این ترتیب خواهد بود که ما به عنوان جامعه بین المللی باید بتوانیم به ایران نشان دهیم که منافع و فواید همکاری چه خواهد بود. به ویژه در زمینه فعالیت های هسته ای. متاسفانه این نکته ای است که اکثر مردم فراموش می کنند که ما نسبت به حق ایران مبنی بر استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای احترام می گذاریم و از آن حمایت می کنیم و همکاری در این زمینه می تواند بخشی از روند اعتمادسازی باشد. ما نکات زیادی داریم که با همکاران ایرانی خود در مورد آنها گفت وگو کنیم، در عین حال این وظیفه ما است که به همکاران ایرانی خود بگوییم که عدم همکاری آنها چه عواقبی می تواند داشته باشد. در پاسخ به شما امیدوار هستیم که ایران در این بسته پیشنهادی اروپا عناصر کافی را ببیند که بتوانیم در مورد آن صحبت کنیم.

■ یعنی شما این موضوع را موفقیتی برای دیپلماسی انگلیس ارزیابی می کنید؟

به نظر من این یک موفقیت اروپایی است نه فقط مربوط به بریتانیا. برای اینکه جوهر و نقطه کلیدی روند اروپایی این است که باید به مسئله هسته ای ایران به گونه ای همه جانبه پرداخته شود. به عبارت دیگر بخش های مختلف بین المللی وجود دارند که باید در این مسئله دخیل باشند مثل آژانس بین المللی انرژی اتمی. در حال حاضر هم شمار زیادی از کشورها که از این روند حمایت می کنند.

■ با این تفاسیر می شود اینطور تلقی کرد که اروپا می خواهد در مقابل یک جانبه گرایی آمریکا مقاومت کند؟

پاسخ من به این پرسش شما این است که همواره استفاده از سازمان های بین المللی بر شیوه های یک جانبه برتری دارد. این به آن معنا نیست که اقدام یک جانبه هرگز مورد قبول نیست، چرا که گاهی اوقات راه دیگری به جز اقدامات یک جانبه باقی نمی ماند ولی در مورد مسئله هسته ای ایران نگرش چندجانبه قطعاً بر روش های دیگر برتری دارد و خیلی جالب است که رهبران آمریکا از جمله جورج بوش و کاندولیزا رایس بارها به این مسئله اذعان کرده اند.

■ در حال حاضر بریتانیا و فرانسه با حمایت آمریکا در حال نوشتن پیش نویس قطعنامه ای تحت فصل ۷ منشور ملل متحد هستند. آیا با توجه به این موضوع که پرونده ایران به شورای امنیت سازمان ملل متحد رفته به نظر شما فعالیت های هسته ای ایران و پرونده مربوط به این موضوع در شورای امنیت یک بحران بین المللی است و یا فکر می کنید به رغم ارسال پرونده به شورای امنیت هنوز هم دیپلماسی ادامه دارد؟

بخشی از دیپلماسی ادامه دارد.

■ اما فصل ۷ منشور سازمان ملل می تواند به حمله منجر شود و دست آمریکا را برای هر اقدامی در مورد ایران باز بگذارد؟

گاهی اوقات همین هم می تواند بخشی از دیپلماسی باشد.

■ یعنی استفاده از زور برای دیپلماسی؟

گاهی اوقات فشار بخشی از دیپلماسی است. آن چیزی که ما بر آن تاکید داریم این است که می خواهیم سازمان های بین المللی کار خود را انجام دهند. بنابراین آژانس بین المللی انرژی اتمی کار خود را انجام داد و حالا نوبت شورای امنیت است که کار خود را انجام دهد. و در واقع در موارد متعددی در گذشته هم شورای امنیت کار خود را انجام داده است. شورای امنیت هر روز جلسه دارد تا در مورد مسائل مختلف در جهان گفت وگو کند. من گاهی اوقات تعجب می کنم که چرا ایرانی ها نگران مسئله هسته ای شان در شورای امنیت هستند.

■ ولی پرونده ایران می توانست در همان آژانس باقی بماند و بررسی شود. هم اکنون هم ایران اعلام کرده که اگر پرونده ایران به آژانس بین المللی اتمی برگردد، ایران حاضر به همکاری بیشتر است و حتی حاضر است پروتکل الحاقی را بپذیرد.

ما فکر می کنیم داور این موضوع باید مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی باشد. اگر مدیرکل آژانس به ما و دنیا بگوید که ایران در حال حاضر با این سازمان همکاری می کند و مشکلات مهم باقی مانده را حل کرده، آنگاه مسائل به آژانس بازگردانده می شوند و در این سازمان دوباره مورد بررسی قرار خواهد گرفت. ما امیدوار هستیم که مدیرکل آژانس بین المللی انرژی اتمی به این نقطه برسد و همکاری ایران را اعلام کند.

■ شرط همکاری ایران چیست؟ آیا این شرط همچنان تعلیق فعالیت های هسته ای است؟

تعلیق تنها یکی از گام هایی است که جامعه بین المللی اعتقاد دارد که ایران باید برای اعتمادسازی دوباره انجام دهد. ولی اجازه بده